



Asymmetric Reactions of Abnormal Audit Fee Jumps to Credit Status Changes

Mohsen Rashidi * 

*Corresponding Author, Associate Prof., Department of Accounting, Faculty of Management and Economic, Lorestan University, Khoram Abad, Iran. E-mail: rashidi.m@lu.ac.ir

Maedeh Soumi 

MSc. Student, Department of Accounting, Faculty of Management and Economic, Lorestan University, Khoram Abad, Iran. E-mail: soumi.maedeh12170@yahoo.com

Milad Kazazi Goudarzi 

MSc., Department of Accounting, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Lorestan, Iran. E-mail: goudarzi.k.m@gmail.com

Abstract

Objective

Although extensive literature exists on abnormal audit fees, their determinants remain relatively underexplored in contemporary accounting and auditing research. Audit fees have attracted the attention of standard developers, investors, and researchers. Recent studies highlight a growing perspective that the role of abnormal audit fees in shaping audit report quality has become increasingly contentious. In addition, credit status significantly affects abnormal audit fees. This study aims to investigate the asymmetric reactions of the abnormal audit fees component to changes in credit status.

Methods

Considering the data collection method, the current research is descriptive. Descriptive research is carried out to better understand the existing conditions or help the decision-making process. According to the different categories of descriptive research, the current research is of correlational type. To test the research hypotheses, data was gathered from 120 firms listed on the Tehran Stock Exchange from 2014 to 2022. Finally, to examine and analyze the proposed hypotheses according to the theoretical foundations, the regression approach was applied.

Results

The analysis of the first research hypothesis shows that the reduction of credit status has a positive and significant effect on abnormal audit fees. The second hypothesis of the research is that any decrease (increase) in the credit status has a positive (negative) and significant

effect on the variable (short-term) part of the abnormal audit fee. The third research hypothesis, which claimed that bankruptcy risk significantly affects the relationship between the reduction (or increase) of credit status and the variable (short-term) component of the abnormal audit fee, was rejected. Finally, the results indicate that the risk of significant distortion has a significant effect on the relationship between the reduction (increase) of the credit status and the variable (short-term) part of the abnormal audit fee.

Conclusion

Based on the results, it can be concluded that as profit manipulation by the owners increases, the credit status of the companies declines. Auditors exert greater effort when dealing with owners who engage in manipulation, have a high likelihood of fraud, and exhibit low-profit quality, leading them to demand higher fees. In this regard, any decrease in credit status can result in problems, financial limitations, and the risk of bankruptcy in the future. Finally, higher profit quality attracts investors, leading to increased opportunities for financing.

Keywords: Abnormal audit fees jump, Credit status, Distortion of financial statements, Financial limitation.

Citation: Rashidi, Mohsen; Soumi, Maedeh & Kazazi Goudarzi, Milad (2024). Asymmetric Reactions of Abnormal Audit Fee Jumps to Credit Status Changes. *Accounting and Auditing Review*, 31(3), 492-518. (in Persian)

Accounting and Auditing Review, 2024, Vol. 31, No.3, pp. 492- 518
Published by University of Tehran, Faculty of Management
<https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2024.378182.1008974>
Article Type: Research Paper
© Authors

Received: June 18, 2024
Received in revised form: August 27, 2024
Accepted: September 05, 2024
Published online: October 01, 2024





واکنش‌های نامتقارن مؤلفه جهش حق الزحمه غیر عادی حسابرسی به تغییرات وضعیت اعتباری

محسن رشیدی

* نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: rashidi.m@lu.ac.ir

مأده صومی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: soumi.maedeh12170@yahoo.com

میلاذ کزازی گودرزی

کارشناس ارشد، گروه حسابداری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران. رایانامه: goudarzi.k.m@gmail.com

چکیده

هدف: ادبیات زیادی در خصوص حق الزحمه‌های غیر عادی حسابرسی وجود دارد؛ اما هنوز عوامل تعیین‌کننده آن در ادبیات حسابداری و حسابرسی معاصر، کمابیش ناشناخته باقی مانده است. حق الزحمه حسابرسی توجه زیادی از تدوین‌کنندگان استاندارد، سرمایه‌گذاران و محققان را به سمت خود جلب کرده است. با توجه به نتایج پژوهش‌های اخیر، این دیدگاه به وجود آمده است که امروزه، نقش حق الزحمه حسابرسی غیر عادی در کیفیت گزارش‌های حسابرسی چالش‌برانگیز شده است و وضعیت اعتباری به‌طور چشمگیری بر حق الزحمه‌های حسابرسی غیر عادی تأثیرگذار است. هدف از این پژوهش، بررسی واکنش‌های نامتقارن مؤلفه جهش حق الزحمه حسابرسی غیر عادی، به تغییرات وضعیت اعتباری است.

روش: بر اساس چگونگی گردآوری داده‌ها، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی است. پژوهش‌های توصیفی برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا به‌منظور یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری اجرا می‌شوند. با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف پژوهش‌های توصیفی، پژوهش حاضر از نوع هم‌بستگی است و در دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ اجرا شده است. داده‌های ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. در نهایت، به‌منظور بررسی و تحلیل فرضیه‌های مطرح شده مطابق با مبانی نظری، از رویکرد رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل نتایج آماری این پژوهش نشان می‌دهد که آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار کاهش وضعیت اعتباری بر حق الزحمه‌های غیر عادی حسابرسی رد نشده است. فرضیه دوم این گونه مطرح شد که کاهش (افزایش) وضعیت اعتباری تأثیر مثبت (منفی) و معناداری بر بخش تغییرپذیر (کوتاه مدت) حق الزحمه غیر عادی حسابرسی دارد که بر اساس نتایج، این فرضیه رد نشده است. فرضیه سوم پژوهش مبنی بر تأثیر معنادار ریسک ورشکستگی بر ارتباط بین کاهش (افزایش) وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه مدت) حق الزحمه غیر عادی حسابرسی، رد نشده است. در نهایت، بر اساس نتایج، ریسک تحریف با اهمیت تأثیر معناداری بر ارتباط بین کاهش (افزایش) وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه مدت) حق الزحمه غیر عادی حسابرسی دارد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد که با افزایش دست‌کاری سود توسط صاحب‌کاران، وضعیت اعتباری شرکت‌ها کاهش یافته است و حساب‌برسان برای صاحب‌کارانی که تحریف، احتمال تقلب بالا و کیفیت سود پایینی دارند، تلاش بیشتری انجام می‌دهند و در نتیجه، حق‌الزحمه‌های بیشتری دریافت می‌کنند. در همین راستا، کاهش وضعیت اعتباری می‌تواند نشان‌دهنده مشکلات، محدودیت مالی و ریسک ورشکستگی در آینده باشد. در نهایت، کیفیت سود بالاتر، باعث جلب نظر سرمایه‌گذاران به‌منظور تأمین مالی بیشتر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: جهش حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، وضعیت اعتباری، تحریف صورت‌های مالی، محدودیت مالی.

استناد: رشیدی، محسن؛ صومی، مائده و کزازی گودرزی، میلاد (۱۴۰۳). واکنش‌های نامتقارن مؤلفه جهش حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی به تغییرات وضعیت اعتباری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۱(۳)، ۴۹۲-۵۱۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2024.378182.1008974>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۳، دوره ۳۱، شماره ۳، صص. ۴۹۲-۵۱۸

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

مقدمه

ادبیات زیادی در خصوص حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی وجود دارد؛ اما هنوز عوامل تعیین‌کننده آن در ادبیات حسابداری و حسابرسی معاصر به نسبت ناشناخته باقی مانده است. حق الزحمه حسابرسی بدین علت که اطلاعات خصوصی حسابرسان را درباره ارزیابی آن‌ها از شرکت صاحب‌کار دربرمی‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان شاخصی جایگزین در سنجش کیفیت مطرح شود (واعظ، مظاهری، منتظر حجت و بنافی، ۱۳۹۷). حق الزحمه‌های غیرعادی بالا می‌تواند حق الزحمه استاندارد پرداختی به حسابرسان را در ازای تلاش اضافی آن‌ها تحت تأثیر قرار دهد (دانتاه، رونن و سارات، ۲۰۱۳). در نتیجه، حق الزحمه غیرعادی بالاتر می‌تواند، بسته به زمینه، به حسابرسی با کیفیت بالاتر یا پایین‌تر منجر شود. وضعیت اعتباری مؤسسه‌ها، به‌واسطه تجمیع عوامل عینی و ذهنی مؤثر بر وضعیت اعتباری اوراق بدهی و ارائه ارزیابی مستدل و مستقل از وضعیت ابزارهای اعتباری، نقش مهمی را در بازار سرمایه ایفا می‌کند (کمیسون بورس و اوراق بهادار، ۲۰۰۲). استدلال این است که کاهش وضعیت اعتباری ممکن است نشان‌دهنده ریسک نکول بالقوه‌ای باشد که به سهم خود ریسک اجرای حسابرسی را افزایش می‌دهد و بر حق الزحمه‌های غیرعادی تأثیر می‌گذارد. وضعیت اعتباری در بازار سرمایه نقش مهمی بازی می‌کند. دو نوع اصلی وضعیت اعتباری وجود دارد: وضعیت اعتباری اوراق بهادار و وضعیت اعتباری ناشر اوراق (شرکت‌ها). در حالی که وضعیت اعتباری اوراق بهادار بیانگر احتمال نکول یا تأخیر در پرداخت است، وضعیت اعتباری شرکت، ارزیابی کلی از اعتبار شرکت را نشان می‌دهد (هوانگ، اسوک و وو، ۲۰۲۱).

واکنش حسابرسان متمرکز بر تغییرات در وضعیت اعتباری و به‌ویژه کاهش آن در شرکت است. گل و گودوین^۱ (۲۰۱۰) بیان کردند که مؤسسه‌های وضعیت اعتباری و حسابرسان، از اطلاعات مشتری مانند کارایی، اثربخشی کنترل داخلی و برخی از اطلاعات گسترده صنعتی و کلان اقتصادی استفاده می‌کنند. افزون‌براین، تجربه کاری مشترک بین حسابرسان، بر تعامل و تبادل اطلاعات آن‌ها تأثیر می‌گذارد (الحبابسه و الحاج اسماعیل، ۲۰۲۱؛ گیون، ۲۰۰۴). در همین راستا، گوان، سو، وو و یانگ^۲ (۲۰۱۶) نشان دادند که روابط همکاری بر حق الزحمه‌های حسابرسی تأثیر می‌گذارد، به نحوی که رابطه کاری مشترک بین دو شریک یا اعضای کمیته حسابرسی، بر نتایج حسابرسی تأثیر چشمگیری می‌گذارد (الحبابسه و الحاج اسماعیل، ۲۰۲۱). به عبارتی، با توجه به نقش نظارتی مؤسسه‌های وضعیت اعتباری در سازوکارهای راهبری، تغییرات در وضعیت اعتباری به‌عنوان محرک اصلی تغییرات در راهبری شرکتی در نظر گرفته می‌شود (اسکایفه، کالینز و لافوند، ۲۰۰۶). کاهش در وضعیت اعتباری نشان‌دهنده راهبری و محیط اطلاعاتی ضعیف است که ریسک حسابرسی را افزایش می‌دهد. بر همین اساس، کاهش وضعیت اعتباری نشان می‌دهد که شرکت‌ها در برآورده ساختن تعهدهای قراردادی مشکل دارند و با ریسک نکول بالایی مواجهند (چن و چرچ، ۱۹۹۲).

1. Dontoh, Ronen & Sarath
2. Huang, Svec & Wu
3. Gul & Goodwin
4. Alhababsah & Alhaj-Ismael
5. Gibbons
6. Guan, Su, Wu & Yang
7. Ashbaugh-Skaife, Collins & LaFond
8. Chen & Church

دی‌فوند، لیم و ژنگ^۱ (۲۰۱۶) بیان کردند که وضعیت اعتباری پایین بر شرایط اعتباری شرکت‌ها و توانایی تأمین مالی آن‌ها تأثیر منفی دارد که در نتیجه، ریسک حسابرسی را افزایش خواهد داد. این امر ممکن است شرکت را در جهت بهبود وضعیت اعتباری ترغیب کند؛ چرا که حساب‌رسان به احتمال زیاد برای شرکت‌هایی با وضعیت اعتباری پایین، حق‌الزحمه‌های حسابرسی بالاتری دریافت می‌کنند. به عبارتی، وضعیت اعتباری پایین، مشکلات حساب‌رسان را برای کشف تحریف‌های با اهمیت افزایش می‌دهد.

لوبو و ژائو^۲ (۲۰۱۶) مستند می‌کنند که حق‌الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی، به‌شدت با هم مرتبط هستند و می‌توانند تحت تأثیر رویدادهای گذشته یا فعلی قرار گیرند. به عبارت دیگر، حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی سالانه بیانگر تلاش حسابرسی یا ریسک حسابرسی یا هر دو است (کولتون، لیونی، پتینیکو و تیلور^۳، ۲۰۱۶). بنابراین موضوع حسابرسی مبتنی بر ریسک برای اولین بار در بیانیه شماره ۴۷ هیئت تدوین استانداردهای حسابرسی انجمن حسابداران رسمی آمریکا تحت عنوان ریسک حسابرسی و اهمیت در سازمان حسابرسی بین‌المللی (بیانیه ۲۵، ریسک حسابرسی) و انجمن حسابداران رسمی آمریکا (استاندارد شماره ۵۵، بررسی ساختار کنترل‌های داخلی حسابرسی صورت‌های مالی) مطرح شد.

شرکت‌هایی که تنزل وضعیت اعتباری دارند، حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی بالاتری را پرداخت می‌کنند. به عبارتی، تنزیل وضعیت اعتباری با مؤلفه جهش حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی مرتبط است. وقتی حساب‌رسان با ریسک اقامه دعوی بالایی مواجه می‌شوند، به همین ترتیب حق‌الزحمه حسابرسی بالایی را دریافت خواهند کرد. مؤسسه‌ها می‌توانند وضعیت اعتباری خود را در هر زمان به‌روز کنند، در حالی که حساب‌رسان خدمات حسابرسی را در پایان سال مالی ارائه می‌دهند؛ بنابراین مؤسسه‌های وضعیت اعتباری، نسبت به حساب‌رسان، اطلاعات به‌موقع‌تری را ارائه می‌کنند. اعتباردهندگان همواره به‌دنبال راه‌کاری هستند تا در خصوص توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی اطمینان حاصل کنند، در غیر این صورت، به‌دلیل عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت‌ها باید هزینه تأمین مالی بالایی را متحمل شوند، لذا شرکت‌ها با وضعیت اعتباری مطلوب، از این انگیزه برخوردارند که وضعیت اعتباری آن‌ها توسط مؤسسه‌ها تعیین شود؛ زیرا شرکت‌های با وضعیت اعتباری بالا می‌توانند با هزینه کمتری تأمین مالی کنند. از طرفی سرمایه‌گذاران از وضعیت اعتباری به‌عنوان شاخص ریسک استفاده می‌کنند و وضعیت اعتباری به آن‌ها کمک می‌کند تا به‌سرعت، ویژگی‌های ریسک تعداد زیادی از اوراق یا شرکت‌های صادرکننده اوراق را با مقیاسی واحد و شناخته شده ارزیابی کنند (بو و تود^۴، ۲۰۱۱).

بر مبنای دو دیدگاه اساسی، کاهش وضعیت اعتباری به‌طور چشمگیری حق‌الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی را افزایش می‌دهد: افزایش ریسک نکول و افزایش ریسک تحریف. تنزل وضعیت اعتباری با ریسک ورشکستگی و نکول ارتباط زیادی دارد. بنابراین حساب‌رسان در معرض ریسک دعوی حقوقی بالاتری قرار می‌گیرند (دو، ماسلی و مسچکه^۵،

1. DeFond, Lim & Zang
2. Lobo & Zhao
3. Coulton, Livne, Pettinicchio & Taylor
4. Bou & Toud
5. Du, Masli & Meschke

۲۰۱۸). در نتیجه، حسابرسان حق الزحمه حسابرسی بیشتری را برای تلاش‌های حسابرسی اضافی در راستای کاهش ریسک، دریافت می‌کنند. علاوه بر این، کاهش وضعیت اعتباری نشان‌دهنده بحران مالی و یک محیط اطلاعاتی ضعیف است (گو و ادینگتون^۱، ۱۹۹۳). هریبار، کراووت و ویلسون^۲ (۲۰۱۴) نشان دادند که حق الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی با تقلب و کلاهبرداری ارتباط زیادی دارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و تغییرات وضعیت اعتباری

حق الزحمه حسابرسی توجه زیادی از تدوین‌کنندگان استاندارد، سرمایه‌گذاران و محققان را به سمت خود جلب کرده است؛ به‌ویژه به دلیل شکست‌های حسابرسی شناخته شده که به شکل‌گیری قانون ساربینز آکسلی منجر شده است. به‌طور کلی، تحقیقات نشان داده است که حق الزحمه حسابرسی، تابعی از میزان تلاش حسابرسی و سطح ریسک دادخواهی حسابرسی است (موسوی‌شیری و غفاریان صالحی‌نژاد، ۱۳۹۵). حق الزحمه حسابرسی پرداخت شده به حسابرسان، تلاش آن‌ها را جبران می‌کند و منعکس‌کننده عدم اطمینان اطلاعاتی مربوط به شکست حسابرسی یا شکست شرکت است (دانیلسن، ونس و وار^۳، ۲۰۰۷). لوبو و ژائو^۴ (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که حسابرسی مستقل با افزایش تلاش حسابرسی به افزایش ریسک تحریف پاسخ می‌دهد. تلاش حسابرسی عامل اصلی تعیین‌کننده احتمال شناخت خطای با اهمیت موجود توسط حسابرسان است (کارامانیس و لینوکس^۴، ۲۰۰۸). به عبارتی، به‌منظور کاهش احتمال خطاهای کشف نشده، سطح بالاتری از تلاش حسابرسی اعمال می‌شود (ماتسومورا و تاکر^۵، ۱۹۹۲). در همین راستا، دانیلسن، ونس و وار^۶ (۲۰۰۷) نشان دادند که حسابرسان شفافیت اطلاعاتی شرکت را در برآورد حق الزحمه حسابرسی لحاظ می‌کنند.

حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی نشان‌دهنده تلاش اضافی مورد نیاز، برای حسابرسی صاحب‌کارانی است که با ریسک بالاتری مواجهند (برونو، کورناگیا و کریشنن^۷، ۲۰۱۶). هویتاش، مارکلویچ و باراگاتو^۸ (۲۰۰۷) دریافتند که شرکت‌هایی با مدیریت سود بالاتر، سطح بالاتری از حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی را تجربه می‌کنند. جانسون، خورانا و رینولدز^۹ (۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهند که مؤسسه‌های حسابرسی تمایل دارند که برای صاحب‌کاران با کیفیت محیط اطلاعاتی ضعیف، حق الزحمه‌های حسابرسی مزاد دریافت کنند. افزون بر این، مقررات قیمت‌گذاری عملکرد مبتنی بر وضعیت اعتباری در قراردادهای وام، مدیران را به مشارکت در مدیریت سود ترغیب می‌کند (کرافت^{۱۰}، ۲۰۱۵ الف). این امر به دلیل عدم کشف تحریف‌های با اهمیت، خطر ریسک بالایی را به حسابرسان تحمیل می‌کند (دی‌فوند و همکاران،

1. Goh & Ederington
2. Hribar, Kravet & Wilson
3. Danielsen, Van Ness & Warr
4. Caramanis & Lennox
5. Matsumura & Tucker
6. Danielsen, Van Ness & Warr
7. Bruno, Cornaggia & Krishnan
8. Hoitash, Markelevich & Barragato
9. Johnson, Khurana & Reynolds
10. Kraft

۲۰۱۶). کردستانی، رضازاده، کاظمی علوم و عبدی (۱۳۹۷) بیان کردند که تمرکز در بازار حسابرسی، بر حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی تأثیر منفی دارد. به عبارت دیگر، با افزایش تمرکز در بازار حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد و نتایج نشان می‌دهد که وجود تمرکز بیشتر در بازار حسابرسی، ممکن است باعث کاهش رقابت و انتخاب گزینه‌های کمکی و انتخابی برای شرکت‌ها شود. این مسئله می‌تواند به کاهش حق الزحمه حسابرسی منجر شود؛ زیرا حساب‌رسان در شرایط تمرکز بازار، قدرت بیشتری برای تعیین شرایط قرارداد و تعیین قیمت دارند. واتس و زیمرمن^۱ (۱۹۸۶) بیان می‌کنند که قیمت‌گذاری عملکرد مبتنی بر نسبت مالی در قراردادهای وام، مدیران را تشویق می‌کند تا در مدیریت سود بالا مشارکت کنند.

وضعیت اعتباری نظریه‌ای رسمی است که توسط مؤسسه‌های وضعیت اعتباری، درباره ارزیابی احتمالی پرداخت به‌موقع تعهدهای مالی و اعتبار شرکت‌ها، مؤسسه‌های مالی و بانکی، بنگاه‌های اقتصادی و مالی و ناشران اوراق بهادار و... اعلام می‌شود و در حقیقت، مبانی لازم را برای مقایسه ریسک اعتباری یک شرکت یا بنگاه اقتصادی را با شرکت یا بنگاه اقتصادی دیگر فراهم می‌کند. ارزیابی مبتنی بر وضعیت اعتباری، اعتبار کلی یک شرکت و توانایی آن در انجام تعهدهای مالی را منعکس می‌کند (آشباگ اسکایفه، کالینز و لافوند^۲، ۲۰۰۶). مؤسسه‌های وضعیت اعتباری، به اطلاعاتی دسترسی دارند که در دسترس عموم نیست. سرمایه‌گذاران از وضعیت اعتباری، به‌عنوان شاخص ریسک استفاده می‌کنند و وضعیت اعتباری به آن‌ها کمک می‌کند که به‌سرعت، ویژگی‌های ریسک تعداد زیادی از اوراق یا ناشران اوراق را با مقیاسی واحد و شناخته‌شده ارزیابی کنند. آن‌ها ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که وضعیت اعتباری بالایی دارند. در نتیجه، وضعیت‌های اعتباری یکی از واسطه‌های اصلی انتشار اطلاعات در بازارهای مالی هستند (بو و تود، ۲۰۱۱). کاهش وضعیت اعتباری، عدم قطعیت‌های بالاتر، سازوکارهای راهبری ضعیف‌تر و عدم شفافیت شرکت‌ها در محیط اقتصادی را نشان می‌دهد. در این زمینه، کاهش وضعیت اعتباری به‌عنوان معیاری از عدم شفافیت غیرعادی بالا در نظر گرفته می‌شود که در نسبت‌ها یا اعداد حسابداری آشکار نمی‌شود. بر اساس نگرانی‌های مربوط به ریسک اجرای عملیات، حساب‌رسان به کاهش وضعیت اعتباری حساس‌ترند (کائو، حسن و هوانگ^۳، ۲۰۲۴). دو و همکاران (۲۰۱۸) بیان می‌کنند وقتی حساب‌رسان با ریسک دعاوی حقوقی بالایی مواجه می‌شوند، تمایل دارند حق الزحمه حسابرسی بیشتری دریافت کنند. با توجه به بُعد محدودیت مالی و محافظه‌کاری حساب‌رسان، آن‌ها به احتمال زیاد برای ارائه گزارش‌های حسابرسی مربوط به صاحب‌کاران با ریسک بالا (در حالت تجربه کاهش وضعیت اعتباری)، تلاش بیشتری را از خود نشان می‌دهند. بنابراین، حق الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی ریسک‌های شناسایی شده توسط حساب‌رسان را که معمولاً در اطلاعات حسابداری منعکس نمی‌شوند، نشان می‌دهد (برونو و کورناگیا و کریشنان^۴، ۲۰۱۶). بولوم ویست، لوفلوند و ویاس^۵ (۲۰۲۰) در بررسی وضعیت اعتباری شرکت‌ها در چرخه‌های مختلف عمر شرکت دریافتند که وضعیت

1. Watts & Zimmerman
2. Ashbaugh-Skaife, Collins & LaFond
3. Cao, Hasan & Huang
4. Bruno, Cornaggia & Krishnan
5. Blomkvist, Loflund & Vyas

اعتباری شرکت‌ها در مراحل اولیه و رشد چرخه عمر بهتر از سایر مراحل آن است. به عقیده آن‌ها از این اطلاعات می‌توان در پیش‌بینی ورشکستگی و تجزیه و تحلیل مالی استفاده کرد.

فرضیه اول: کاهش وضعیت اعتباری تأثیر مثبت و معناداری بر حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی دارد.

تغییرپذیری حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و تغییرات وضعیت اعتباری

حق‌الزحمه حسابرسی نیز مانند دیگر هزینه‌ها چسبندگی دارد که تغییرات آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مؤلفه چسبندگی حق‌الزحمه که ریسک‌های خاص صاحب‌کار را منعکس می‌کند، در طول دوره‌های مختلف حسابرسی و به‌طور متوالی هم‌بسته و به نسبت پایدار است (آلتمن^۱، ۱۹۹۸)؛ اما بخش تغییرپذیر حق‌الزحمه می‌تواند تغییرات سالانه را بهتر توضیح دهد. در مقایسه با بخش چسبنده حق‌الزحمه، بخش تغییرپذیر با حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی قبلی هم‌بستگی بسیار کمتری دارد و واکنش حساب‌رسان به مسائل حسابداری دوره جاری را منعکس می‌کند و شاخص مناسب‌تری برای توضیح کیفیت اطلاعات مالی است (کولتون و همکاران، ۲۰۱۶). بخش تغییرپذیر حق‌الزحمه حسابرسی بیانگر نگرانی حساب‌رسان در رسیدگی به عملیات غیرعادی شرکت (از جمله گزارشگری مالی جسورانه) است. کاهش و ارتقای وضعیت اعتباری نشان می‌دهد که ارزش اعتباری شرکت بدتر یا بهبود یافته است (آلتمن، ۱۹۹۸). بنابراین استفاده از بخش چسبنده حق‌الزحمه حسابرسی (با توجه به ماهیت بلندمدت آن)، می‌تواند به تمایز بین سرمایه‌گذاری آتی در حسابرسی (بهبود کیفیت گزارشگری مالی) و سطح ریسک غیرقابل مشاهده و تأثیرگذار بر صاحب‌کار (کیفیت پایین گزارشگری مالی) کمک کند. همچنین، اگر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، به معنای سرمایه‌گذاری اضافی در کیفیت گزارشگری مالی باشد، انتظار می‌رود با افزایش بخش تغییرپذیر حق‌الزحمه غیرعادی، کیفیت گزارشگری مالی نیز افزایش یابد. به عبارتی، هنگامی که کیفیت گزارشگری مالی پایین باشد، به دلیل صرف ریسک بیشتر انتظار می‌رود حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی افزایش یابد. در واقع، واکنش حساب‌رسان به کیفیت پایین گزارشگری مالی را می‌توان در قالب افزایش حق‌الزحمه غیرعادی مشاهده کرد. در مقابل، در شرایطی که با وجود کیفیت گزارشگری مالی مطلوب، باز هم حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی افزایش می‌یابد، بیانگر تلاش حساب‌رسان برای پیشگیری از کیفیت پایین گزارشگری مالی در آینده است (کولتون و همکاران، ۲۰۱۶). کرافت (۲۰۱۵) شواهدی ارائه می‌دهد که مؤسسه‌های وضعیت اعتباری، پردازشگرهای کارآمد اطلاعات حسابداری برای تعیین ریسک اعتباری شرکت‌ها هستند. بنابراین، مؤسسه‌های وضعیت اعتباری، بر اساس صورت‌های مالی، اطلاعات حسابداری را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که واقعیت را بهتر به تصویر بکشند و ماهیت اقتصادی زیربنایی معاملات و رویدادها را منعکس کند.

برونو و همکاران (۲۰۱۶) دریافته‌اند که حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی نشان‌دهنده عامل خطری است که برای نهادهای اعتباری قابل مشاهده است؛ اما در نسبت‌های حسابداری منعکس نمی‌شود. در مقابل، این ریسک‌ها در وضعیت اعتباری شرکت‌ها گنجانده شده است. افزون‌براین، کاهش وضعیت اعتباری علامت معتبری برای آگاهی حساب‌رسان است. مؤسسه‌های وضعیت اعتباری به‌دقت وضعیت اعتباری را تغییر می‌دهند و این تغییرات تنها زمانی رخ می‌دهد که

نسبتاً به عدم تغییر وضعیت اعتباری در آینده نزدیک، مطمئن باشند (لوفلر^۱، ۲۰۰۵). همان طور که کولتون و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند، بخش تغییرپذیر (کوتاه‌مدت) حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، بیانگر ریسک خاص شرکت در دوره جاری بوده و تلاش‌های حسابرسان را در قبال گزارشگری مالی جسورانه در دوره جاری نشان می‌دهد؛ در حالی که بخش چسبنده (بلندمدت) حق‌الزحمه غیرعادی، ریسک‌های بلندمدت در چند دوره حسابرسی را نشان می‌دهد. مؤسسه‌های اعتباری می‌توانند وضعیت اعتباری‌شان را در هر زمانی و در طول سال به‌روزرسانی کنند و بنابراین، در مقایسه با گزارش‌های حسابرسی، وضعیت اعتباری را به‌موقع‌تر ارائه می‌کنند. تغییرات در وضعیت اعتباری می‌تواند اطلاعاتی معتبر و به‌موقع را در رابطه با پایداری آتی شرکت و اعتبار کلی آن، برای حسابرسان فراهم کند (فخاری، قربانی و رجب‌بیکی، ۱۳۹۷). وقفی، کامران‌راد و برسالنی (۱۴۰۱) با بررسی تأثیر تخفیف حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت اطلاعات بر نقش تخصص حسابرسان، به این نتیجه رسیدند که تخفیف حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر معناداری ندارد.

فرضیه دوم: کاهش وضعیت اعتباری تأثیر مثبت و معناداری بر بخش تغییرپذیر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی دارد.

ریسک ورشکستگی، تغییرپذیری حق‌الزحمه و تغییرات وضعیت اعتباری

وضعیت اعتباری را می‌توان محصول نیاز اساسی سرمایه‌گذاران در بازار دانست و لازمه آن، اعتباربخشی است. در واقع، در حال حاضر حجم گسترده‌ای از اطلاعات مختلف و عمدتاً مالی از سوی بنگاه‌های اقتصادی ارائه می‌شود که سرمایه‌گذاران همواره با تردید به آن‌ها نگاه می‌کنند. کاهش وضعیت اعتباری نشان می‌دهد که شرکت در انجام تعهدهای قراردادی و مالی با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه است. توان محدود شرکت در بازپرداخت بدهی، احتمال ورشکستگی در آینده را افزایش می‌دهد (استاندارد و پورز^۲، ۲۰۰۳). افزایش احتمال نقض تعهدهای قراردادی، به سهم خود، ریسک نکول و احتمال درماندگی مالی را افزایش می‌دهد (چن و چرچ، ۱۹۹۲). در نتیجه، ریسک دعاوی حقوقی حسابرس را افزایش می‌دهد؛ زیرا احتمال اقامه دعاوی سهام‌داران از حسابرسان در شرکت‌های دارای محدودیت مالی بیشتر است. دیچو و پیوتروسکی^۳ (۲۰۰۱) نشان دادند که کاهش وضعیت اعتباری علامتی از وضعیت نامساعد چشم‌انداز شرکت‌هاست. افزون‌براین، کاهش وضعیت اعتباری به‌طور چشمگیری با ریسک نکول مرتبط است (گوتلر و وارنبرگ^۴، ۲۰۰۷). دو و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که ریسک ورشکستگی و نکول‌ها به‌طور چشمگیری ریسک دعاوی حقوقی حسابرسان را افزایش می‌دهد. تلاش بیشتر حسابرسان برای کاهش ریسک دعاوی حقوقی، به افزایش حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی منجر می‌شود (دی‌فوند و ژانگ^۵، ۲۰۱۴). این امر ممکن است باعث تغییرات در بخش تغییرپذیر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی شود (کائو و همکاران، ۲۰۲۴؛ وانچن^۶، ۲۰۲۱). نگوین و کین^۷ (۲۰۲۱) به بررسی

1. Loffler
2. Standard & Poors
3. Dichev & Piotroski
4. Güttler & Wahrenburg
5. DeFond & Zhang
6. Wanthen
7. Nguyen & Kien

رابطه بین ساختار سررسید بدهی و ریسک ورشکستگی پرداختند. طبق نتایج، اهرم به‌طور مثبت با ریسک نکول مرتبط است. اهرم کوتاه‌مدت اثر مثبت چشمگیری بر ریسک ورشکستگی نشان می‌دهد، در حالی که اهرم بلندمدت نتایج شایان توجهی نشان نمی‌دهد. شرکت‌ها در معرض ریسک استفاده از بدهی کوتاه‌مدت، بیشتر در معرض ریسک ورشکستگی هستند. شرکت‌هایی دارای وضعیت مالی مناسب که در صنایع متمرکز فعالیت دارند، اثر اهرمی کوتاه مدت بالاتری را نسبت به هم‌تایان خود تجربه می‌کنند.

فرضیه سوم: ریسک ورشکستگی تأثیر معناداری بر ارتباط بین کاهش وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه مدت) حق الزحمه غیرعادی حسابرسی دارد.

ریسک تحریف، تغییرپذیری حق الزحمه و تغییرات وضعیت اعتباری

یکی از حرفه‌های مهم در حال شکل‌گیری در بازار مالی کشور را می‌توان حرفه وضعیت اعتباری دانست که بر اساس دستورالعمل تدوین شده توسط نهاد ناظر بازار سرمایه، مهم‌ترین وظیفه آن اظهارنظر راجع به نحوه ایفای تعهدهای ناشران است (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۵). کاهش وضعیت اعتباری منجر به بازده منفی سهام می‌شود (گو و ادزینگتون، ۱۹۹۳؛ هسوه و لیو^۱، ۱۹۹۲). کاهش وضعیت اعتباری، اطلاعات ارزشمندی را هم برای خریداران اوراق قرضه و هم برای سرمایه‌گذاران بازار سرمایه فراهم می‌آورد (ادزینگتون و گو، ۱۹۹۸). در مجموع، مطالعات نشان می‌دهد که کاهش وضعیت اعتباری، علامت منفی برای بازار سرمایه بوده و نشان‌دهنده محیط اطلاعاتی ضعیف شرکت‌هاست. این وضعیت ممکن است مشکلات حسابرسان را در کشف تحریف‌های با اهمیت ناشی از شرایط نامطلوب صاحب‌کاران، افزایش دهد. حسابرسان تلاش‌های بیشتری را برای پاسخ به افزایش خطر تحریف انجام می‌دهند که در نتیجه آن حق الزحمه‌های حسابرسی افزایش می‌یابد (بدارد و جانستون^۲، ۲۰۰۴؛ لوبو و ژائو، ۲۰۱۳؛ ژانگ و شیلر^۳، ۲۰۲۱).

افزون‌براین، وضعیت اعتباری به‌عنوان معیار شایستگی اعتباری فعالان بازار سرمایه، بخش بزرگی از مفاد قراردادهای بدهی را شکل داده است (کرافت، ۲۰۱۵). رویکردهای قیمت‌گذاری عملکرد مبتنی بر وضعیت اعتباری، قراردادهای بدهی را نسبت به تغییرات وضعیت اعتباری حساس می‌کند (نیکولز^۴، ۲۰۰۵). بنابراین، کاهش وضعیت اعتباری ممکن است نرخ بهره قرار دادی را افزایش دهد، دوره بازپرداخت بدهی را کاهش داده و تقاضای وثیقه اضافی را ایجاد کند. در نتیجه، تغییرات در وضعیت اعتباری می‌تواند مستقیماً و بلافاصله بر جریان‌های نقدی شرکت‌ها تأثیر گذاشته و باعث می‌شود که فعالان بازار سرمایه به‌دنبال وضعیت اعتباری مطلوب از مؤسسه‌ها باشند (کرافت، ۲۰۱۵). بیٹی و وبر^۵ (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که قراردادهای بدهی، انگیزه‌های دست‌کاری ارقام حسابداری برای مدیریت سود را برای مدیران ایجاد می‌کند. بنابراین، کاهش وضعیت اعتباری عاملی در راستای تغییرات سود است. دی‌فوند و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که حسابرسان برای صاحب‌کاران با کیفیت سود پایین، حق الزحمه حسابرسی بالاتری درخواست

1. Hsueh & Liu
2. Bedard & Johnstone
3. Zhang & Shailer
4. Nicholls
5. Beatty & Weber

می‌کنند تا ریسک کاهش اعتبار خود را کنترل کنند. همچنین، کیفیت پایین سود، مشکلات حسابرسان برای کشف تحریفات با اهمیت را افزایش می‌دهد (دی‌فوند و همکاران، ۲۰۱۶). حسابرسان برای صاحب‌کارانی که احتمال تحریف یا تقلب بالایی دارند، حق الزحمه بالاتری را درخواست می‌کنند (هیلگیست^۱، ۱۹۹۹). افزایش تلاش حسابرسی و صرف حق الزحمه در نهایت در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بالاتر منعکس می‌شود (دی‌فوند و همکاران، ۲۰۱۶).

فرضیه چهارم: ریسک تحریف با اهمیت تأثیر معناداری بر ارتباط بین کاهش وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه‌مدت) حق الزحمه غیرعادی حسابرسی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری و نحوه انتخاب شرکت‌ها

به‌منظور همگن شدن نمونه شرکت‌های مورد مطالعه در سال‌های مورد بررسی، شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند و به‌منظور افزایش مقایسه‌پذیری، پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه اسفند ماه باشد. نمونه آماری شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، واسپاری، بانک‌ها و بیمه‌ها نمی‌شود و طی دوره زمانی این پژوهش شرکت‌ها تغییر ماهیت نداشته یا دوره مالی خود را تغییر نداده باشند.

مدل و متغیرهای پژوهش

این پژوهش به‌دنبال بررسی واکنش‌های نامتقارن حق الزحمه غیرعادی حسابرسی به تغییرات وضعیت اعتباری با توجه به الگوهای زیر است:

$$\begin{aligned} \text{Abaudit Fee}_{it} & \quad \text{مدل (۱)} \\ & = \beta_0 + \beta_1 \text{Ratingchg}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{Empl}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} \\ & + \beta_5 \text{Invrec}_{it} + \beta_6 \text{ROA}_{it} + \beta_7 \text{MTB}_{it} + \beta_8 \text{Loss}_{it} \\ & + \beta_9 \text{CL}_{it} + \beta_{10} \text{INST}_{it} + \beta_{11} \text{MGO}_{it} + \beta_{12} \text{Litigation}_{it} \\ & + \beta_{13} \text{Auditorchg}_{it} + \beta_{14} \text{Big}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{Abaudit Fee jump}_{it} & \quad \text{مدل (۲)} \\ & = \beta_0 + \beta_1 \text{Ratingchg}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{Empl}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} \\ & + \beta_5 \text{Invrec}_{it} + \beta_6 \text{ROA}_{it} + \beta_7 \text{MTB}_{it} + \beta_8 \text{Loss}_{it} \\ & + \beta_9 \text{CL}_{it} + \beta_{10} \text{INST}_{it} + \beta_{11} \text{MGO}_{it} + \beta_{12} \text{Litigation}_{it} \\ & + \beta_{13} \text{Auditorchg}_{it} + \beta_{14} \text{Big}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{Abaudit Fee jump}_{it} & \quad \text{مدل (۳)} \\ & = \beta_0 + \beta_1 \text{Ratingchg}_{it} + \beta_2 \text{FIN DIS}_{it} \\ & + \beta_3 \text{Ratingchg}_{it} * \text{FIN DIS}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{Empl}_{it} + \beta_6 \text{Lev}_{it} \\ & + \beta_7 \text{Invrec}_{it} + \beta_8 \text{ROA}_{it} + \beta_9 \text{MTB}_{it} + \beta_{10} \text{CL}_{it} + \beta_{11} \text{Loss}_{it} \\ & + \beta_{12} \text{INST}_{it} + \beta_{13} \text{MGO}_{it} + \beta_{14} \text{Litigation}_{it} + \beta_{15} \text{Auditorchg}_{it} \\ & + \beta_{16} \text{Big}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 \text{Abaudit Fee jump}_{it} &= \beta_0 + \beta_1 \text{Ratingchg}_{it} + \beta_2 \text{SD}_{it} \\
 &+ \beta_3 \text{Ratingchg}_{it} * \text{SD}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{Empl}_{it} + \beta_6 \text{Lev}_{it} \\
 &+ \beta_7 \text{Invrec}_{it} + \beta_8 \text{ROA}_{it} + \beta_9 \text{MTB}_{it} + \beta_{10} \text{Loss}_{it} \\
 &+ \beta_{11} \text{CL}_{it} + \beta_{12} \text{INST}_{it} + \beta_{13} \text{MGO}_{it} + \beta_{14} \text{Litigation}_{it} \\
 &+ \beta_{15} \text{Auditorchg}_{it} + \beta_{16} \text{Big}_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}
 \tag{۴}$$

در الگوهای مذکور Abaudit Fee حق الزحمه غیرعادی؛ Abaudit Fee جهش حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی؛ Ratingchg وضعیت اعتباری؛ Fin Dis ریسک ورشکستگی؛ SD ریسک تحریف با اهمیت؛ Size اندازه شرکت؛ Empl تعداد کارکنان؛ Lev اهرم مالی؛ Invrec نسبت موجودی و مطالبات به کل دارایی‌ها؛ ROA بازده کل دارایی؛ MTB نسبت ارزش بازار به دفتری؛ Loss زیان؛ CL نسبت جاری؛ INST مالکیت نهادی؛ MGO مالکیت مدیریت؛ Litigation دعوی قضایی؛ Auditorchg تغییر حسابرسان و Big نوع حسابرس را نشان می‌دهد.

متغیرهای وابسته

حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی (Abaudit Fee): این متغیر به پیروی از پژوهش فلاح و دری (۱۳۹۶)، با استفاده از قدر مطلق باقی‌مانده رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\begin{aligned}
 \text{Abaudit Fee}_{it} &= \beta_0 + \beta_1 \ln \text{Fee}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{Growth}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} \\
 &+ \beta_5 \text{Lev}_{it} + \beta_6 \text{CATA}_{it} + \beta_7 \text{Switch}_{it} + \beta_8 \text{Auditop}_{it-1}
 \end{aligned}
 \tag{۱}$$

LnFee لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی؛ size لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها؛ Growth نسبت اختلاف دارایی سال جاری با سال گذشته؛ ROA نسبت سود خالص به دارایی؛ LEV نسبت بدهی به دارایی؛ CATA نسبت دارایی جاری به کل دارایی؛ Switch اگر مؤسسه حسابرسی تغییر کند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر؛ Auditop اظهارنظر حسابرس در سال گذشته که اگر مقبول باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر برای آن در نظر گرفته می‌شود.

جهش حق الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی (Abauditfeejump): تفاوت بین حق الزحمه غیرعادی دوره جاری و میانگین سه سال قبل حق الزحمه غیرعادی حسابرسی است (فخاری، قربانی و رجب‌بیکی، ۱۳۹۷).

متغیرهای مستقل

وضعیت اعتباری (Ratingchg): به‌منظور محاسبه رتبه اعتباری از رابطه زیر بر مبنای پژوهش‌های ژبونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۹) استفاده می‌شود. در مرحله اول مطابق با رابطه زیر عدد اعتباری هر شرکت محاسبه و سپس از بزرگ به کوچک مرتب شده است؛ به نحوی که بالاترین عدد رتبه ۱ را به خود اختصاص می‌دهد. در نهایت به‌منظور محاسبه کاهش وضعیت اعتباری، اگر وضعیت اعتباری شرکت نسبت به سال قبل کاهش یافته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

$$\text{EMS} = 3/25 + 6/56x_1 + 3/26x_2 + 6/72x_3 + 1/05x_4 \quad (\text{رابطه ۲})$$

X_1 نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی؛ X_2 نسبت سود انباشته به مجموع دارایی؛ X_3 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی؛ X_4 نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به مجموع بدهی‌ها است.

ریسک ورشکستگی (FIN DIS): به منظور تعیین وضعیت و ریسک ورشکستگی شرکت از مدل زیر استفاده می‌شود؛ به نحوی که پس از محاسبه، شرکت‌ها پنج‌بندی شده و شرکتی که در پایین‌ترین پنجک قرار گیرد، عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد (پورزمانی و پویان‌راد، ۱۳۹۱).

$$Z = 0/717x_1 + 0/847x_2 + 3/107x_3 + 0/42x_4 + 0/998x_5 \quad (\text{رابطه ۳})$$

X_1 کل دارایی تقسیم بر سرمایه در گردش؛ X_2 کل دارایی تقسیم بر سود انباشته؛ X_3 کل دارایی تقسیم بر سود قبل از بهره مالیات؛ X_4 کل بدهی تقسیم بر حقوق صاحبان سهام؛ X_5 کل دارایی تقسیم بر فروش را نشان می‌دهد.

ریسک تحریف با اهمیت (SD): شرکت‌هایی که آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده آن‌ها حاوی سرفصل تعدیلات سنواتی است یا به تجدید ارائه (به استثنای تجدید ارائه ناشی از مباحث مالیاتی) ارقام مقایسه‌ای منجر شده باشد، به عنوان شرکت‌های حاوی تحریف با اهمیت شناخته می‌شوند و عدد یک به آن‌ها اختصاص می‌یابد و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرند.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت است (مشایخی، حسن‌زاده، سماوات و نظری، ۱۴۰۲).

تعداد کارکنان (Empl): برابر با لگاریتم طبیعی تعداد کارکنان شرکت است که در صورت‌های مالی افشا می‌شود.

اهرم مالی (Lev): برابر با نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت است.

موجودی و مطالبات به کل دارایی‌ها (Invrec): نسبت مطالبات و موجودی‌ها به مجموع دارایی‌هاست.

بازده دارایی (ROA): نرخ بازده کل دارایی‌ها که برابر با نسبت سود خالص قبل از بهره و مالیات به جمع دارایی‌هاست.

نسبت بازار به دفتری (MTB): برابر با نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است.

نسبت آئی (CI): برابر با دارایی‌های جاری (به استثنای موجودی کالا) به بدهی‌های جاری شرکت است (کامپا، کائو و دانلی^۱، ۲۰۱۹).

زیان (Loss): به منظور محاسبه این متغیر، اگر شرکت در سال جاری زیان گزارش کند، برابر یک و در غیر این صورت صفر است.

مالکیت نهادی (INST): میزان مالکیت نهادی، از مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های

سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشر شده شرکت، به‌دست می‌آید (رشیدی، ۱۳۹۳).

مالکیت مدیریتی (MGO): از تقسیم سهام نگهداری شده توسط هیئت‌مدیره بر کل سهام شرکت در هر دوره محاسبه می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۹).

دعوی قضایی (Litigation): متغیری مجازی است که اگر شرکت در صورت‌های مالی دعاوی حقوقی افشا کرده باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد (برونو و همکاران، ۲۰۱۶).

تغییر حسابرسان (Auditorchg): تغییر حسابرس در سال t در شرکت i که در این پژوهش اگر در سال مورد بررسی تغییر حسابرسی صورت گرفته باشد، عدد یک در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد (کائو و همکاران، ۲۰۲۴؛ صفرزاده و محمدی، ۱۴۰۲).

نوع حسابرس (Big): متغیر مجازی است؛ به‌طوری که اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی یا یکی از مؤسسه‌های رتبه الف باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش درج شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
حق‌الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی	۲۲/۲۱۶	۲۲/۹۲۸	۴/۴۷۸	۶۵/۳۷۷	۱۳/۲۵۶
جهش حق‌الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی	۱۷/۷۳۴	۱۷/۷۳۳	۱/۳۵۹	۲۱/۹۷۱	۱۵/۳۶۸
کاهش وضعیت اعتباری	۰/۲۹۵	۰/۲۶۳	۰/۷۲۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
ریسک ورشکستگی	۰/۰۹۲۱	۰/۰۸۷۳	۰/۲۹۸۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
ریسک تحریف با اهمیت	۰/۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۹۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۱۴/۹۱۵	۱۴/۹۱۵	۰/۸۶۴	۱۷/۳۷۶۰	۱۲/۶۷۸
تعداد کارکنان	۵/۸۷۰	۵/۹۱۶	۰/۹۴۲	۷/۹۵۱	۳/۴۰۱
اهرم مالی	۰/۶۴۹	۰/۵۷۱	۰/۶۴۸	۱/۴۵۷	۰/۰۹۱
موجودی و مطالبات	۰/۲۹۴	۰/۲۵۶	۰/۲۰۱	۰/۷۱۴	۰/۱۰۱
بازده دارایی	۰/۱۳۳	۰/۱۱۸	۰/۲۲۸	۲/۲۹۳	-۱/۸۱۹
نسبت بازار به دفتری	۶/۰۶۵	۴/۳۰۴	۸/۲۲۹	۲/۷۵۶	-۰/۹۳۴
نسبت آنی	۰/۹۱۷	۰/۸۴۴	۰/۹۸۶	۲/۳۳۱	۰/۵۲۱
زبان	۰/۱۵۴	۰/۰۰۰	۰/۳۶۱	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی	۰/۷۱۷۲	۰/۷۶۰۱	۰/۲۸۶۰	۱/۰۰۰	۰/۰۵۴
مالکیت مدیریتی	۰/۵۸۴	۰/۶۲۸	۰/۳۴۶	۰/۹۹۸	۰/۱۲۰
دعوی قضایی	۰/۰۷۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۵	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
تغییر حسابرسان	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۳۸۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
نوع حسابرس	۰/۱۷۳	۰/۰۰۰	۰/۳۷۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۲، میانگین حق‌الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی ۲۲/۲۱۶ به‌دست آمده است. میانگین جهش حق‌الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی که تفاوت حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و وقفه سه ساله آن است، مقدار ۱۷/۷۳۴ به‌دست آمده است. میانگین کاهش رتبه اعتباری شرکت‌ها که ارزیابی احتمال پرداخت به‌موقع تعهدهای مالی ناشر است، ۰/۲۹۵ و بیانگر بهبود رتبه اعتباری شرکت است. ارزش میانگین اندازه شرکت، زیان شرکت و بازده دارایی به‌ترتیب ۱۴/۹۱۵، ۰/۱۵۴ و ۰/۱۳۳ به‌دست آمده است که بیان‌کننده ایجاد ۰/۱۳ ریال بازدهی به‌ازای هر ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌هاست. میانگین نسبت آنی ۰/۹۱۷ محاسبه شده که بیانگر توان بالای شرکت‌ها در بازپرداخت بدهی‌های جاری است. میانگین اهرم مالی ۰/۶۴۹ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از مصارف شرکت، از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده است. ساختار مالکیتی شرکت شامل ۷۱/۷۲ سهام‌داران مطلع است که بخش عمده‌ای از اعضای هیئت مدیره (۵۸/۴۷ درصد) را تشکیل می‌دهند.

آمار استنباطی

نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای الگوهای پژوهش در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش

مدل پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۹/۹۹۱۷	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۲	۲/۴۵۳۳	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۳	۲/۴۳۷۴	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۴	۲/۴۷۷۹	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر و رد فرضیه H. برای مدل‌های پژوهش، لازم است آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش

مدل پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۱۴/۱۸۴۵	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۲	۱۷/۳۴۸۸	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۳	۱۹/۵۰۰	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۴	۱۹/۶۷۷۷	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از رد نشدن فرضیه H. برای مدل‌های پژوهش است؛ در نتیجه مدل داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت ارجح است. بنابراین، برای تخمین مدل پژوهش، از روش داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت استفاده شده است. جدول ۵ نتایج حاصل از برآورد مدل ۱ را نشان می‌دهد.

بر اساس مدل ۱، برای فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت و معناداری کاهش وضعیت اعتباری بر حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی، می‌توان گفت با توجه به اینکه سطح خطا کمتر از ۵ درصد و (آماره t برابر با ۳/۶۷۸۸) است، فرضیه اول رد نشده است. نتایج آزمون تورم واریانس بیانگر این است که بین متغیرهای پژوهش مشکل هم‌خطی وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح خطا	VIF
وضعیت اعتباری	Ratingchg	۰/۰۷۵۰	۳/۶۷۸۸	۰/۰۰۰۲	۴/۱۴
اندازه شرکت	SIZE	۰/۵۲۹۰	۴/۵۶۱۳	۰/۰۰۰۰	۱/۱۷
تعداد کارکنان	Empl	۰/۵۶۲۲	۲/۶۶۹۵	۰/۰۰۷۷	۱/۲۱
اهرم مالی	Lev	-۰/۰۷۰۷	-۰/۳۲۲۵	۰/۷۴۷۲	۱/۷۷
موجودی و مطالبات	Invrec	-۰/۸۸۱۴	-۱/۳۴۳۱	۰/۱۷۹۶	۱/۱۱
بازده دارایی	ROA	۱/۱۵۳۹	۱/۹۴۵۵	۰/۰۵۲۱	۲/۶۶
نسبت بازار به دفتری	MTB	-۰/۰۰۳۷	-۰/۳۴۸۰	۰/۷۲۷۹	۱/۱۰
نسبت آنی	CL	۰/۰۵۰۹	۰/۹۹۸۸	۰/۳۱۸۲	۲/۷۲
زیان	LOSS	-۰/۱۵۵۱	-۰/۴۶۵۰	۰/۶۴۲۱	۱/۵۵
مالکیت نهادی	INST	-۰/۰۱۲۲	-۱/۴۴۵۴	۰/۱۴۸۷	۱/۷۰
مالکیت مدیریتی	MGO	۰/۰۰۹۱	۱/۲۹۷۱	۰/۱۹۵۰	۱/۷۰
دعوی قضایی	Litigation	-۰/۱۹۷۰	-۰/۵۹۰۸	۰/۵۵۴۸	۱/۰۲
تغییر حسابرسان	Auditorchg	۰/۱۰۶۶	۰/۴۸۴۱	۰/۶۲۸۴	۱/۰۷
نوع حسابرسان	BIG	۱/۵۹۸۶	۳/۱۹۶۱	۰/۰۰۱۴	۱/۱۱
جز ثابت	C	۱۰/۴۶۲۳	۴/۷۵۲۲	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین			۰/۰۹۵۹		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۰۸۰۶		
آماره دوربین واتسون			۱/۵۱۴۰		
آماره F			۶/۲۴۴۷		
احتمال آماره F			۰/۰۰۰۰		

بر اساس مدل ۲، در خصوص فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار کاهش وضعیت اعتباری بر بخش تغییرپذیر (کوتاه‌مدت) حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، می‌توان گفت با توجه به اینکه سطح خطا کمتر از ۵ درصد است، این فرضیه رد نشده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح خطا	VIF
کاهش وضعیت اعتباری	Ratingchg	۰/۱۶۵۷	۲/۸۹۹۹	۰/۰۰۳۸	۴/۱۴
اندازه شرکت	SIZE	۰/۵۸۳۶	۱۲/۳۰۶۲	۰/۰۰۰۰	۱/۱۷
تعداد کارکنان	Empl	۰/۰۱۵۸	۱/۲۵۶۵	۰/۲۰۹۲	۱/۲۱
اهرم مالی	Lev	۰/۲۲۷۹	۲/۶۸۵۲	۰/۰۰۷۴	۱/۷۷
موجودی و مطالبات	Invrec	۰/۰۷۳۶	۰/۳۱۷۱	۰/۷۵۱۳	۱/۱۱
بازده دارایی	ROA	۰/۶۲۴۹	۲/۲۹۳۷	۰/۰۲۲۰	۲/۶۶
نسبت بازار به دفتری	MTB	۰/۰۰۸۱	۱/۷۱۷۹	۰/۰۸۶۱	۱/۱۰
نسبت آنی	CL	-۰/۰۲۹۸	-۱/۱۴۷۳	۰/۲۵۱۵	۲/۷۲
زیان	LOSS	-۰/۱۶۰۵	-۱/۲۰۸۸	۰/۲۲۷۰	۱/۵۵
مالکیت نهادی	INST	۰/۰۰۱۰	۰/۳۵۱۲	۰/۷۲۵۵	۱/۷۰
مالکیت مدیریتی	MGO	-۰/۰۰۱۸	-۰/۸۱۷۸	۰/۴۱۳۷	۱/۷۰
دعوی قضایی	Litigation	-۰/۲۱۹۴	-۱/۴۹۷۴	۰/۱۳۴۶	۱/۰۲
تغییر حسابرسان	Auditorchg	-۰/۰۵۰۵	-۰/۵۲۹۴	۰/۵۹۶۶	۱/۰۷
نوع حسابرس	BIG	۰/۷۱۲۴	۵/۳۵۱۹	۰/۰۰۰۰	۱/۱۱
جز ثابت	C	۷/۶۳۹۵	۱۰/۱۶۸۶	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین			۰/۲۲۲۰		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۲۱۰۵		
آماره دوربین واتسون			۱/۶۱۶۱		
آماره F			۱۹/۲۴۲۰		
احتمال آماره F			۰/۰۰۰۰		

بر اساس مدل سوم، در خصوص فرضیه سوم پژوهش، مبنی بر تأثیر معنادار ریسک ورشکستگی بر ارتباط بین کاهش وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه مدت) حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، می‌توان گفت از آنجایی که سطح خطا کمتر از ۵ درصد است، این فرضیه رد نشده است.

جدول ۷. نتایج حاصل از برآورد مدل سوم پژوهش

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح خطا	VIF
وضعیت اعتباری (A)	Ratingchg	۰/۲۲۵۴	۲/۶۵۶۷	۰/۰۰۸۰	۴/۱۵
ریسک ورشکستگی (B)	Fin Dis	-۰/۸۳۰۶	-۱/۳۸۳۰	۰/۱۶۷۰	۵/۹۹
A*B	Ratingchg*Fin Dis	۰/۶۳۸۵	۲/۳۲۵۵	۰/۰۲۰۳	۵/۹۸
اندازه شرکت	SIZE	۰/۵۸۱۲	۱۲/۲۴۴۶	۰/۰۰۰۰	۱/۱۷
تعداد کارکنان	Empl	۰/۱۶۸۲	۲/۹۳۶۲	۰/۰۰۳۴	۱/۲۴
اهرم مالی	Lev	۰/۰۱۵۷	۱/۲۴۳۱	۰/۲۱۴۱	۱/۷۸
موجودی و مطالبات	Invrec	۰/۱۰۱۵	-۰/۴۳۶۰	-۰/۶۶۲۹	۱/۱۲
بازده دارایی	ROA	۵/۰۵۱۷	۱/۴۵۴۴	-۰/۱۴۶۲	۲/۷۳
نسبت بازار به دفتری	MTB	۰/۰۰۸۴	۱/۷۵۸۳	-۰/۰۷۹۰	۱/۱۰
نسبت آنی	CL	-۰/۰۳۱۳	-۱/۲۰۴۶	-۰/۲۲۸۷	۲/۷۳
زیان	LOSS	-۰/۱۵۴۳	-۱/۱۲۹۳	-۰/۲۵۹۰	۱/۶۶
مالکیت نهادی	INST	۰/۰۰۱۰	-۰/۳۳۲۸	-۰/۷۳۹۳	۱/۷۰
مالکیت مدیریتی	MGO	-۰/۰۰۱۶	-۰/۷۴۶۷	-۰/۴۵۵۴	۱/۷۰
دعوی قضایی	Litigation	-۰/۲۱۹۵	-۱/۴۹۸۲	-۰/۱۳۴۴	۱/۰۳
تغییر حسابرسان	Auditorchg	-۰/۰۵۳۲	-۰/۵۵۶۶	-۰/۵۷۷۹	۱/۰۷
نوع حسابرسان	BIG	۰/۷۰۲۹	۵/۱۷۹۱	۰/۰۰۰۰	۱/۱۲
جز ثابت	C	۷/۶۴۵۵	۱۰/۱۴۰۷	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین			۰/۲۲۴۱		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۲۱۰۹		
آماره دوربین واتسون			۱/۶۱۳۰		
آماره F			۱۷/۰۰۵۵		
احتمال آماره F			۰/۰۰۰۰		

بر اساس مدل ۴، در خصوص فرضیه چهارم پژوهش، مبنی بر تأثیر معنادار ریسک تحریف با اهمیت بر ارتباط بین کاهش وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه‌مدت) حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، می‌توان گفت که چون سطح خطا کمتر از ۵ درصد و (آماره t برابر با $-۳/۱۳۰۶$) است، این فرضیه رد نشده است.

جدول ۸. نتایج حاصل از برآورد مدل چهارم پژوهش

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح خطا	VIF
وضعیت اعتباری (A)	Ratingchg	۰/۱۷۶۳	۳/۰۸۵۴	۰/۰۰۲۱	۴/۱۷
ریسک انحراف با اهمیت (B)	SD	۰/۱۹۷۲	۲/۳۱۹۹	۰/۰۲۰۶	۲/۱۷
A*B	Ratingchg*SD	-۰/۱۲۳۰	-۳/۱۳۰۶	۰/۰۰۱۸	۲/۲۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۵۵۷۵	۱۱/۴۶۱۲	۰/۰۰۰۰	۱/۲۳
تعداد کارکنان	Empl	۰/۰۱۳۰	۱/۰۳۰۶	۰/۳۰۳۰	۱/۲۲
اهرم مالی	Lev	۰/۱۴۴۳	۱/۲۸۲۶	۰/۱۹۹۹	۱/۸۱
موجودی و مطالبات	Invrec	۰/۱۲۶۹	۰/۵۴۴۷	۰/۵۸۶۱	۱/۱۴
بازده دارایی	ROA	۰/۵۲۰۷	۱/۹۰۱۵	۰/۰۵۷۵	۲/۷۳
نسبت بازار به دفتری	MTB	۰/۰۰۶۷	۱/۳۸۵۱	۰/۱۶۶۴	۱/۱۳
نسبت آنی	CL	-۰/۰۲۸۴	-۱/۰۹۷۹	۰/۲۷۲۶	۲/۷۲
زیان	LOSS	-۰/۱۵۰۰	-۱/۱۳۴۹	۰/۲۵۶۷	۱/۵۵
مالکیت نهادی	INST	۰/۰۰۱۲	۰/۴۲۲۳	۰/۶۷۲۹	۱/۷۰
مالکیت مدیریتی	MGO	-۰/۰۰۱۹	-۰/۸۸۴۷	۰/۳۷۶۵	۱/۷۱
دعوی قضایی	Litigation	-۰/۲۳۴۰	-۱/۶۰۲۶	۰/۱۰۹۴	۱/۰۳
تغییر حسابرسان	Auditorchg	-۰/۰۵۸۹	-۰/۶۲۰۲	۰/۵۳۵۳	۱/۰۷
نوع حسابرس	BIG	۰/۷۱۳۷	۵/۲۷۴۰	۰/۰۰۰۰	۱.۱۱
جز ثابت	C	۸/۰۵۷۱	۱۰/۳۴۷۱	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین			۰/۲۳۰۶		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۲۱۷۵		
آماره دوربین واتسون			۱/۷۵۸۷		
آماره F			۱۷/۶۴۲۸		
احتمال آماره F			۰/۰۰۰۰		

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حق‌الزحمه حسابرس، یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی است و در سال‌های اخیر، تغییرات محیط کسب و کار، وجود بحران‌های تأثیرگذار و افزایش رقابت در حرفه حسابرسی، باعث شده است که ارزیابی و قضاوت درباره تأثیر حق‌الزحمه غیرعادی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی از اهمیت بیشتری برخوردار شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واکنش‌های نامتقارن مؤلفه جهش حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی به تغییرات وضعیت اعتباری بود.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش، مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار کاهش وضعیت اعتباری بر حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی، رد نشده است. اظهار نظر حسابرسان و حق‌الزحمه‌های آن‌ها بر وضعیت اعتباری شرکت‌ها مؤثر است

(حیدرانی، خوشکار و گرجی‌زاده، ۱۴۰۰). نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش چو و همکاران (۲۰۱۰) و هاپسورو و سانتاسو^۱ (۲۰۱۸) تطابق دارد.

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار کاهش وضعیت اعتباری بر بخش تغییرپذیر (کوتاه‌مدت) حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، رد نشده است. مدت زمان حسابرسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رابطه بین وضعیت اعتباری مؤسسه‌های حسابرسی و حق‌الزحمه‌های آن دارد. جهش در حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی نشان‌دهنده نقش پیشگیرانه حسابرسی و افزایش تلاش حسابرسان است (فخاری، قربانی و رجب‌بیگی، ۱۳۹۷). ریسک‌های حسابرسی در افزایش یا کاهش وضعیت اعتباری مؤسسه‌ها تأثیرگذار است، در همین راستا، کاهش وضعیت اعتباری می‌تواند اطلاعات معتبر و به‌موقعی را در اختیار حسابرسان قرار دهد. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش بلانکلی، هرت و مک‌گرگور^۲ (۲۰۱۶) تطابق دارد.

فرضیه سوم پژوهش مبنی بر تأثیر معنادار ریسک ورشکستگی بر ارتباط بین کاهش وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه مدت) حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، رد نشده است. تسلیم شدن در مقابل فشارهای صاحب‌کار برای اعمال مدیریت سود، می‌تواند به افزایش هزینه‌های ناشی از ریسک افزایش دعاوی حقوقی و خسارت‌های قانونی منجر شود (چوی، کیم و زانگ^۳، ۲۰۱۰). حسابرسان به‌منظور پوشش ریسک اقامه دعوا نیز حق‌الزحمه‌های خود را افزایش می‌دهند (چانگ، کائو، و همکاران^۴، ۲۰۱۹). کنترل ریسک در شرکت‌هایی که در آستانه یا شرایط ورشکستگی قرار دارند با محدودیت‌هایی همراه است. حسابرسان به‌منظور بیمه آتی خود در مقابل دعاوی حقوقی، کاهش وضعیت اعتباری و وجود ریسک ورشکستگی را علامت هشدار در نظر گرفته و با افزایش حجم کار و شناسایی گلوگاه‌ها، حق‌الزحمه غیرعادی بالاتری درخواست می‌دهند (مینیس^۵، ۲۰۱۹). به عبارتی، کاهش وضعیت اعتباری، خود بیانگر وضعیت نامساعد شرکت است و ریسک ورشکستگی به تشدید اوضاع نامساعد منجر می‌شود. نتایج این فرضیه با پژوهش دی ویلرس، هی و ژانگ^۶ (۲۰۱۴) و مهرانی، کامیابی و غیور (۱۳۹۶) تطابق دارد.

فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تأثیر معنادار ریسک تحریف با اهمیت بر ارتباط بین کاهش وضعیت اعتباری و بخش تغییرپذیر (کوتاه مدت) حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، رد نشده است. دریافت حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، تابعی از ارزیابی ریسک تحریف‌های با اهمیت است و می‌تواند احتمال اجرای حسابرسی مؤثر و کارآمد را افزایش دهد که این امر به افزایش آگاهی حسابرس نسبت به ریسک‌های موجود در سطح شرکت منجر شده و توجه بیشتر به خطر تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی صاحب‌کار و اطلاعات افشا شده را تسهیل می‌کند (دی‌مارتینز و حوقتون^۷، ۲۰۱۹). به عبارتی، با کاهش وضعیت اعتباری شرکت‌ها و افزایش سطح تحریف و تقلب، حسابرسان حق‌الزحمه‌های بیشتری را درخواست خواهند کرد. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش لی و سونگ و سو^۸ (۲۰۲۲) تطابق دارد.

1. Hapsoro & Santoso
2. Blankley, Hurr & Macgregor
3. Choi, Kim & Zang
4. Chang et al
5. Minnis
6. DeVillier, Hay & Zhang
7. De martinis & Houghton
8. Lee, Sung & Seo

با توجه به تأثیرگذاری معنادار وضعیت اعتباری ناشران بر سطح ریسک و حق‌الزحمه حسابرسی، پیشنهاد می‌شود که مباحث وضعیت اعتباری مؤسسه‌ها در قلب قوانین بالادستی مطرح و چارچوب جامعی برای ارائه آن مشخص شود. همچنین، مؤسسه‌های حسابرسی می‌توانند کاهش وضعیت اعتباری صاحب‌کاران را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش ریسک، در مدل‌های برآورد حجم کار و حق‌الزحمه حسابرسی وارد کنند. یکی از محدودیت‌های پژوهش فعلی، استفاده از مدل کمی در برآورد وضعیت اعتباری است و شرایط کیفی از جمله وضعیت فکری مدیران، می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر سطح ریسک و وضعیت اعتباری شرکت‌ها، مدل‌سازی و برآورد شود.

منابع

- حیدرایی، جمیله؛ خوشکار، فرزین و گرجی‌زاده، داود (۱۴۰۰). بررسی رابطه اظهارنظر حسابرس و مدیریت ریسک با رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۴۶(۱)، ۹۴-۱۰۸.
- رشیدی باغی، محسن و ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۹). نقش توانایی مدیران و هموارسازی سودهای تقسیمی در تغییر محتوای اطلاعاتی سودهای جاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۴)، ۵۸۱-۶۰۳.
- رشیدی باغی، محسن (۱۳۹۳). بررسی چسبندگی حق‌الزحمه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۴)، ۴۳۱-۴۴۸.
- صفرزاده، محمدحسین و محمدی، شمیم (۱۴۰۲). ویژگی صنعت مشتری و تغییر حسابرس. *مجله پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۳(۱۰)، ۸-۲۷.
- فخاری، حسین؛ قربانی، حسین و رجب‌بیگی، محمدعلی (۱۳۹۷). پایداری و جهش در حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی. *مجله پیشرفت‌های حسابداری شیراز*، ۱۰(۲)، ۲۲۱-۲۵۰.
- فلاح، رضا و دری، امین (۱۳۹۶). بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و تخصص حسابرس بر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس. *فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، ۴(۷)، ۷۷-۱۰۰.
- کردستانی، غلامرضا؛ رضازاده، جواد؛ کاظمی‌علوم، مهدی و عبدی، مصطفی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تمرکز بازار حسابرسی بر حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۰(۲)، ۶۵-۸۳.
- مشایخی، بیتا؛ حسن‌زاده، شادی؛ سماوات، میلاد و نظری، سعیده (۱۴۰۲). افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت: نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰(۳)، ۵۶۰-۵۸۹.
- موسوی‌شیری، سید محمود و غفاریان صالحی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۵). رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و توانایی پیش‌بینی سود. *همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران*.
- مهرانی، ساسان؛ کامیابی، یحیی و غیور، فرزاد (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت سود بر قدرت مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۱)، ۱۰۳-۱۲۶.
- واعظ، سیدعلی؛ مظاهری، اسماعیل؛ منتظر حجت، امیرحسین و بنافی، محمد (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی بر رابطه بین آنتروپی صورت‌های مالی و بازده سهام. *مجله دانش حسابداری*، ۱۳(۳)، ۱۳۷-۱۶۰.

وقفی، سید حسام؛ کامران‌راد، صدیقه و برسالتی، سکینه (۱۴۰۱). تأثیر تخفیف حق الزحمه حسابرسی بر جبران آن و کیفیت اطلاعات حسابداری با تأکید بر نقش تخصص حسابرسان. *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۳(۹)، ۴۴-۷۰.

References

- Alhababsah, S. & Alhaj-Ismail, A. (2021). Does shared tenure between audit committee chair and engagement partner affect audit outcomes? Evidence from the UK. *The British Accounting Review*, 55(2).
- Altman, E. I. (1998). The importance and subtlety of credit rating migration. *Journal of Banking & Finance*, 22, 1231–1247.
- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (2005). *AICPA professional Standards*. New York: AICPA, Inc
- Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D. W. & LaFond, R. (2006). The effects of corporate governance on firms' credit ratings. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 203–243. doi.org/10.1016/j.jacceco.2006.02.003
- Beatty, A. & Weber, J. (2003). The effects of debt contracting on voluntary accounting method changes. *The Accounting Review*, 78, 119–142.
- Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2004). Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions. *The Accounting Review*, 79, 277–304. doi.org/10.2308/accr.2004.79.2.277.
- Benjamine, U. & Dabor, A. O. (2018). Abnormal audit fee and audit quality: A moderating effect of firm characteristics. *Journal of Dynamic Economics and Business*, 14, 327-340.
- Blankley I., Hurtt, D.N. & Macgregor, J. E. (2016). Abnormal Audit Fees and Restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(1), 79-96.
- Blankley, A. I., Hurtt, D. N. & MacGregor, J. E. (2014). The relationship between audit report lags and future restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33, 27–57.
- Blomkvist, M., Loflund, A., Vyas, H. (2020). Credit ratings and firm life-cycle, *Finance Research Letters*, 39, 101598. doi.org/10.1016/j.frl.2020.101598
- Bou, B. & Toud, M. (2011). How did increased competition affect credit ratings? *Journal of Financial Economics*, 101(3), 493-730.
- Bruno, V., Cornaggia, K. R. & Krishnan, G. V. (2016). The relation between excess audit fees and credit ratings. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2803321>
- Campa, D., Cao, T., Donnelly, R. (2019). Asset disposal as a method of real earnings management: Evidence from the UK. *Journal of Abacus*, 55(2), 306-332.
- Cao, J, Ee, M.S, Hasan, I, Huang, H. (2024). Asymmetric reactions of abnormal audit fees jump to credit rating changes. *Journal of the British Accounting Review*, 56(2).
- Caramanis, C. & Lennox, C. (2008). Audit effort and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 45, 116–138.

- Chang, H., Kao, Y-C., Mashruwala, R. & Sorensen, S.M. (2019), “Technical Inefficiency, Allocative Inefficiency, and Audit Pricing”, *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(4), 580–600.
- Chen, K. & Church, B. (1992). Default on debt obligations and the issuance of going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 11, 30–49.
- Cho, M., Ki, E. & Kwon, S.Y. (2018). The effects of accruals quality on audit hours and audit fees”, *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 32(3), 372-400.
- Choi, J., Kim, J. & Zang, Y. (2010), Do abnormally high audit fees impair audit quality? *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 29 (2), 73-97.
- Coulton, J. J., Livne, G., Pettinicchio, A. K. & Taylor, S. L. (2016). Abnormal audit fees and accounting quality. Available at <https://doi.org/10.2139/ssrn.2826272>.
- Danielsen, B. R., Van Ness, R. A. & Warr, R. S. (2007). Auditor fees, market microstructure, and firm transparency. *Journal of Business Finance & Accounting*, 34, 202–221.
- De Martinis, M. & Houghton, K. (2019). The Business Risk Audit Approach and Audit Production Efficiency. *ABACUS: A Journal of Accounting, Finance and Business Studies*, 55(4), 734-782.
- DeVillier, C., Hay, D. & Zhang, Z. (2014). Audit Fee Stickiness. *Managerial Auditing Journal*, 29(1), 2-26.
- DeFond, M.L., Lim, C.Y. & Zang, Y. (2016). Client conservatism and auditor-client contracting. *The Accounting Review*, 91, 69–98.
- DeFond, M. & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58, 275–326.
- DeFond, M. L., Raghunandan, K. & Subramanyam, K. R. (2002). Do non-audit service fees impair auditor independence? Evidence from going concern audit opinions. *Journal of Accounting Research*, 40, 1247–1274.
- DeFond, M. L. & Park, C. W. (2001). The reversal of abnormal accruals and the market valuation of earnings surprises. *The Accounting Review*, 76, 375–404.
- Dichev, I. D. & Piotroski, J. D. (2001). The long-run stock returns following bond ratings changes. *The Journal of Finance*, 56, 173–203.
- Dontoh, A., Ronen, J. & Sarath, B. (2013). Financial statements insurance. *Abacus*, 49, 269-307.
- Du, L., Masli, A. & Meschke, F. (2018). Credit default swaps on corporate debt and the pricing of audit services. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 37, 117–144.
- Ederington, L. & Goh, J. (1998). Bond rating agencies and stock analysts: Who knows what when? *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 33, 569–585.

- Fakhari, H., Ghorbani, H., Rajab Beyki, M. A. (2019). Jump and consistency of the abnormal audit fee and financial reporting quality. *Journal of Accounting Advances*, 10 (2), 221-250. (in Persian)
- Fallah, R., Dari, A. (2016). Investigating the relationship between audit quality and auditor expertise on abnormal fees auditor. *Journal of Research in Management and Accounting*, 4 (7), 77-100. (in Persian)
- Gibbons, D. E. (2004). Friendship and advice networks in the context of changing professional values. *Administrative Science Quarterly*, 49, 238–262.
- Goh, J. C. & Ederington, L. H. (1993). Is a bond rating downgrade bad news, good news, or no news for stockholders? *The Journal of Finance*, 48, 2001–2008.
- Guan, Y., Su, L. N., Wu, D. & Yang, Z. (2016). Do school ties between auditors and client executives influence audit outcomes? *Journal of Accounting and Economics*, 61, 506–525.
- Gul, F. A. & Goodwin, J. (2010). Short-term debt maturity structures, credit ratings, and the pricing of audit services. *The Accounting Review*, 85, 877–909.
- Güttler, A. & Wahrenburg, M. (2007). The adjustment of credit ratings in advance of defaults. *Journal of Banking & Finance*, 31, 751–767. DOI:10.1016/j.jbankfin.2006.05.014
- Hapsoro, D. & Santoso, T. R. (2018). Does Audit Quality Mediate the Effect of Auditor Tenure, Abnormal Audit Fee and Auditor's Reputation on Giving Going Concern Opinion? *International Journal of Economics and Financial Issues*, 8(1), 143-152.
- Heidarai, J., Khoshkar, F., Garjizadeh, Davod. (2021). Examining the relationship between the auditor's opinion and risk management with the credit rating of companies listed in the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Accounting and Management Perspectives*, 46(1), 94-108. (in Persian)
- Hillegeist, S. A. (1999). Financial reporting and auditing under alternative damage appointment rules. *The Accounting Review*, 74, 347–369.
- Hoitash, R., Markelevich, A. & Barragato, C. A. (2007). Auditor fees and audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 22, 761–786.
- Hribar, P., Kravet, T. & Wilson, R. (2014). A new measure of accounting quality. *Review of Accounting Studies*, 19, 506–538.
- Hsueh, L. & Liu, Y. (1992). Market anticipation and the effect of bond rating changes on common stock prices. *Journal of Business Research*, 24, 225–239. [https://doi.org/10.1016/0148-2963\(92\)90020-C](https://doi.org/10.1016/0148-2963(92)90020-C)
- Huang, H., Svec, J. & Wu, E. (2021). The game changer: Regulatory reform and multiple credit ratings. *Journal of Banking & Finance*, 133, Article 106279.
- Johnson, V. E., Khurana, I. K. & Reynolds, J. K. (2002). Audit-firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, 19, 637–660.
- Kordestani, G., Rezazadeh, J., Kazemi Olum, M. & Abdi, M. (2018). The Investigation of Audit Market Concentration Impact on Audit Fees and Audit Quality. *Financial Accounting Research*, 10(2), 65-84. doi: 10.22108/far.2018.110488.1251 (in Persian)

- Kraft, P. (2015a). Do rating agencies cater? Evidence from rating-based contracts. *Journal of Accounting and Economics*, 59, 264–283. doi.org/10.1016/j.jacceco.2014.09.008
- Kraft, P. (2015b). Rating agency adjustments to GAAP financial statements and their effect on ratings and credit spreads. *The Accounting Review*, 90, 641–674. doi.org/10.2308/accr-50858.
- Lee, J. H., Sung, T. & Seo, S. W. (2022). Investor sentiment, credit rating, and stock returns. *International Review of Economics & Finance*, 80, 1076-1092.
- Lobo, G.J. & Zhao, Y. (2013). Relation between audit effort and financial report misstatements: Evidence from quarterly and annual restatements. *The Accounting Review*, 88, 1385–1412. doi.org/10.2308/accr-50440.
- Loffler, G. (2005). Avoiding the rating bounce: Why rating agencies are slow to react to new information. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 56, 365–381.
- Madani Mohammadi, H. (2006). Developing a model for ranking Tehran Stock Exchange brokerage companies. *Andishe Sadegh Quarterly*, 23, 65-82. (in Persian)
- Mashayekhi, B., Hasanzadeh, S., Samavat, M. & Nazari, S. (2023). Corporate Social Responsibility Disclosure and Management Opportunism: The Role Moderating of Corporate Governance. *Accounting and Auditing Review*, 30(3), 560-589. (in Persian)
- Matsumura, E. M. & Tucker, R. (1992). Fraud detection: A theoretical foundation. *The Accounting Review*, 67, 753–782. <https://www.jstor.org/stable/248323>.
- Mehrani, S., Kamyabi, Y, Ghayor, F. (2016). Investigating the effect of profit quality indicators on the power of financial helplessness forecasting models. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 24(1), 103-126. (in Persian)
- Minnis, M. (2011). The value of financial statement verification in debt financing: Evidence from private US firms. *Journal of accounting research*, 49(2), 457-506.
- Mousavi Shiri, S. M. & Ghaffarian Salehinejad, Z. (2016). The relationship between abnormal audit fees and earnings forecasting ability. *National Conference on Auditing and Financial Supervision of Iran*. (in Persian)
- Neuyen, T., Kien, V.D. (2021). Leverage and Bankruptcy Risk - Evidence from Maturity Structure of Debt: An Empirical Study from Vietnam. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 9(1), 0133–0142.
- Nicholls, C. C. (2005). Public and Private Uses of Credit Ratings. In *Credit (Ed.), Rating Agencies: Need for Reform in Canada?* Capital Markets Institute (CMI). <https://ssrn.com/abstract=1625839>.
- Rashidi, M. (2021). Examine market competition, audit fee stickiness, and audit quality. *Financial Accounting Knowledge*, 8(2), 173-193. (in Persian)
- Safarzadeh, M. H. & Mohammadi, SH. (2023). Client industry characteristics and auditor changes. *Journal of Professional Auditing Research*, 3(10), 8-27. (in Persian)
- Standard & Poor's. (2003). *S&P corporate ratings criteria*. New York: McGraw Hill.

- Vaghfi, S. H., Kamranrad, S. & Baraslani, S. (2023). The Effect of Audit Fee Discount on its Compensation and the Quality of Accounting Information with an Emphasis on the Role of the Auditor's Expertise. *Journal of Professional Auditing Research*, 3(9), 44-70. (in Persian)
- Waez, S. A., Mazaheri, I., Montazer Hojat, A. H., Benafi, M. (2022). Examining the effect of abnormal audit fees on the relationship between entropy of financial statements and stock returns. *Journal of accounting knowledge*, 13(3), 137-160. (in Persian)
- Wanchen, Z. (2021). Research on the relationship between abnormal audit fees of listed companies and the risk of stock price crash. *International Conference on New Energy Technology and Industrial Development*, 235. DOI:10.1051/e3sconf/202123503022.
- Watts, R. L. & Zimmerman, J. L. (1986). *Positive accounting theory*. Englewood Cliffs, NJ: PrenticeHall.
- Zhang, P. F. & Shailer, G. (2021). Changes in audit effort and changes in auditors' disclosures of risks of material misstatement. *The British Accounting Review*, 53, Article 100970. doi.org/10.1016/j.bar.2020.100970